

جایگاه روایات سبب نزول، کارکردها و معیارهای نقد آنها در تفسیر اطیب البیان

محمد مولوی^{*۱}

جلال مصطفایی اجالیه^۲

چکیده

یکی از علوم ضروری برای تفسیر قرآن، آگاهی به سبب نزول آیات است. مفسران و قرآن پژوهان نیز به سبب نزول و نقش آفرینی آن در فهم قرآن توجه داشته، و به اشکال گوناگون از آن بهره برده‌اند. روایات سبب نزول می‌تواند کارکردهای گوناگونی همچون تعیین معنای واژه، تعیین زمان نزول آیات و سور، تبیین آیات الاحکام، تبیین مبهمات و متشابهات، تبیین جزئیات مربوط قصص قرآن به ویژه آیات مربوط به حوادث زمان پیامبر (ص) داشته باشد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی جایگاه روایات اسباب نزول، کارکردها و معیارهای نقد آنها در تفسیر اطیب البیان که یکی از تفاسیر شیعی معاصر به حساب می‌آید، پرداخته است. پس از مطالعه کامل تفسیر، ابتدا، اطلاعات جامع و کلی درباره جایگاه روایات سبب نزول و میزان بهره‌مندی و کیفیت نقل آنها ارائه شده، و سپس، به بیان کارکردهای آن روایات در تفسیر پرداخته شده است. بیان ملاک‌های نقد و تحلیل روایات سبب نزول از منظر سید عبدالحسین طیب، به همراه تحلیل انتقادی آن ملاک‌ها، آخرین بخش مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفسر اطیب البیان نگاهی کاملاً انتقادی به روایات سبب نزول دارد و از معیارهایی برای نقد و تحلیل روایات و حل تعارض میان متعارضات بهره برده است.

کلیدواژه‌ها

سبب نزول، شأن نزول، سید عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول)
m_molavi58@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
jalalmostafaei69@gmail.com

۱. طرح مسأله

در قرن چهاردهم، نهضتی اصلاحی در جهان اسلام به وجود آمد که نتیجه آن بازگشت به قرآن و سنت حقیقی و بازگشایی باب اجتهاد بود. این نهضت یا جنبش که از مصر آغاز شد و سپس ایران، سوریه، لبنان، شمال آفریقا، ترکیه، افغانستان، و هندوستان را فراگرفت تا حدودی عکس العمل هجوم استعمار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب بود و نوعی رنسانس در جهان اسلام به شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۷۲ش، ۱۲)، بنیان‌گذاران و پیشتازان این نهضت افرادی مانند: سید جمال، محمد عبده، اقبال لاهوری، سید قطب، سر سید احمدخان، رشید رضا، و... بودند که قرآن و سنت حقیقی پیامبر اکرم (ص) را راه نجات بشریت و مسلمانان از عقب‌ماندگی و به‌عبارتی دیگر رکن اسلام در همه‌ی ابعاد فردی و اجتماعی می‌دانستند، اما معتقد بودند که سنت را باید دقیقاً نقادی کرد. (خرمشاهی، ۱۳۶۴ش، ۱۸) این رویکرد نقادانه نسبت به روایات بر تفسیر قرآن نیز تأثیر گذاشت و نتیجه آن توجه فزاینده به عقل و دریافت‌های عقلی، باز شدن باب اجتهاد و گسترش روش تفسیر قرآن به قرآن و کم‌اهمیت شدن نقش روایات در تفسیر بود (ذهبی، بی‌تا، ۲: ۵۶۷ - ۵۷۵)، تا جایی که بعضی از مفسران مانند سرسید احمدخان راه افراط در عقل‌گرایی را در پیش گرفت در واقع همه تعارض‌ها را به نفع علم و عقل و به زیان دین و وحی حلّ کرد و همان روشی را دنبال کرد که روشنفکران دیندار غربی پیموده بودند (معرفت، ۱۳۷۹ش، ۲: ۵۱۲).

این دگرگونی در تفاسیر قرن چهاردهم در جهان اهل سنت بر تفاسیر شیعه نیز بی‌تأثیر نبوده است، با بررسی تفاسیری همچون المیزان، پرتوی از قرآن، الکاشف، من وحی القرآن، اطیب البیان و بیشتر تفاسیر این دوره به خوبی می‌توان این تأثیر را دید.

در این میان، سید عبدالحسین طیب ضمن بهره‌گیری فراوان از عقل و روش تفسیر قرآن به قرآن و توجه به اجتهاد در تفسیر، از نقش بی‌بدیل روایات برای فهم آیات قرآن غافل نبوده و در جای‌جای تفسیر اطیب البیان به مناسبت‌های گوناگون از همه انواع روایات تفسیری و از جمله روایات سبب نزول بهره به

طور فراوان برده است. ازاین‌رو، این‌گونه از روایات در تفسیر اطیب البیان دارای کارکردهای گوناگونی شده است، ولی از آنجا که این روایات هم از حیث سند و هم از حیث متن در برخی موارد دچار ضعف و سستی است لذا مفسر رویکردی کاملاً نقادانه نسبت به روایات سبب نزول اتخاذ کرده و صرفاً به نقل آنها ذیل آیات بسنده نکرده بلکه به تحلیل و نقد روایات سبب نزول بویژه نقد متنی بر اساس معیارهایی - که در ادامه به تفصیل خواهد آمد - پرداخته است. بررسی کارکرد روایات سبب نزول و بیان معیارهای نقد آنها هدف مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره پیشینه تحقیق نیز می‌توان گفت راجع به کلیات تفسیر اطیب البیان پایان‌نامه و مقالاتی نوشته شده است، از جمله: پایان‌نامه «بررسی قواعد تفسیری در تفسیر اطیب البیان» (۱۳۹۲ش)، محمد عظیم زاده، دانشکده علوم قرآنی قم؛ مقالات «سیری در تفسیر اطیب البیان» (۱۳۸۷)، حسن رهبر؛ مجله پژوهش‌های قرآنی شماره پیاپی ۵۳؛ «چشم اندازی بر تفسیر اطیب البیان» (۱۳۷۷)، ایوب هاشمی، مجله فرهنگ اصفهان، شماره ۷ و ۸؛ «شرح حال و معرفی تفسیر آیت الله سید عبدالحسین طیب» (۱۳۷۶)، ایوب هاشمی، مجله بینات، شماره ۱۶؛ «روش‌شناسی تفسیر اطیب البیان» (۱۳۹۲): محمدرضا حاجی اسماعیلی و ایوب هاشمی، مجله تفسیر و زبان قرآن، شماره ۱. ولی در هیچ کدام از این آثار درباره نقش روایات در این تفسیر و به ویژه جایگاه و کارکردهای روایات سبب نزول و مبانی نقد آنها در اطیب البیان تلاشی درخور صورت نگرفته است. مخصوصاً با توجه به این‌که مفسر معتقد است که روایات تفسیری و از جمله روایات سبب نزول باید از معصوم (ع) صادر شده باشد و به احادیث غیر معصومان (ع) اعتماد نمی‌کند. از این جهت مقاله حاضر می‌تواند جدید باشد.

۳. آشنایی با سید عبدالحسین طیب و تفسیر اطیب البیان

سید عبدالحسین طیب در سال ۱۳۱۲ هجری قمری در اصفهان به دنیا آمد، پس از مدتی برای ادامه تحصیل به قم و سپس رهسپار نجف اشرف شد. پس از

اتمام تحصیلات به اصفهان برگشت و در آنجا بیش از پنجاه سال به امر تفسیر قرآن و هدایت مردم پرداخت. (ایازی، ۱۳۸۶ش: ۱۴۴؛ طیب، ۱۳۶۸ش، ۳۳: ۳۱) ایشان همچنین علاوه بر اجتهاد در فقه و اصول، از جمله متکلمان معاصر نیز محسوب می‌شود و از دانشمندانی مانند علامه بلاغی صاحب تفسیر آلاء الرحمن بهره گرفته است. طیب در زمان و شرایطی به سر می‌برد که مبلغان مسیحی در ایران و به خصوص در اصفهان برای تبلیغ دین و آیین خود همه تلاش خود را به کار بسته بودند، در چنین شرایطی او نیز کمر همت به دفاع از عقاید و ارزش‌های اسلامی و تشیع بسته و علاوه بر نگارش آثاری مانند «کلم الطیب»، و «العمل الصالح» درباره علم کلام و دفاع از عقاید شیعه، به نگارش تفسیر قرآن با استناد به روایات رسیده از معصومان (ع) پرداختند. درباره وجه تسمیه تفسیر به «اطیب البیان» نیز می‌گوید: «چون در تفسیر آیات قرآن از احادیث اهل بیت و بیانات خاندان نبوت و معادن علم و حکمت خداوند استفاده نمودم و حقاً که بیانات ایشان بهترین و پاکیزه‌ترین بیانات در تفسیر قرآن بوده و این جامه تنها به قامت اینان راست آمده است، لذا این کتاب را اطیب البیان فی تفسیر القرآن نامیدم» (۱: ۳)^۱

نثر این اثر، ساده، متقن و دقیق است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷ش، ۱۰۴۸)؛ توجه زیادی به اقوال مفسران گذشته ندارد، ولی از روایات به‌طور فراوان بهره می‌گیرد (ایازی، ۱۳۸۱ش، ۱۷۵). سید عبدالحسین طیب در بهره‌گیری از روایات تفسیری، اصرار زیادی بر احادیث معصومان (ع) دارد و به جرأت می‌توان گفت این تفسیر، علاوه بر اینکه تفسیر قرآن به قرآن است تفسیری متکی بر اخبار و احادیث اهل بیت (ع) نیز هست. در دیدگاه طیب در تفسیر قرآن باید به گفتار پیامبر اکرم (ص) و مبینان قرآن مراجعه کرد اما مراجعه به مفسرین عامه مانند عکرمه و مجاهد و عطاء و حسن بصری و ضحاک بن مزاحم و قتاده و مقاتل بن سلیمان و مقاتل بن حیان و فخر رازی و امثال این‌ها درست نیست و اعتبار و اعتمادی به گفتار آنها نیست (۱: ۲۳)، از این‌رو، مفسر به ندرت از روایات غیر شیعی بهره برده است (۴: ۱۹۶). از نظر مفسر اطیب البیان تنها قرائت معتبر و

۱. از آنجایی که منبع محوری در این پژوهش «اطیب البیان فی تفسیر القرآن» است، لذا از این پس در ارجاعات، نام خانوادگی نویسنده و سال چاپ ذکر نمی‌شود.

متواتر قرآن، قرائت عاصم است و بارها بر بی اعتباری قرائات سبعة در تفسیر خود اشاره نموده است (۱: ۲۸، ۳۱، ۲: ۵۶؛ ۳: ۳۹۰).

از نکته های قابل توجه در تفسیر اطیب البیان بی اعتنایی مفسر به تناسب آیات و سور است و در تفسیر نیز به این مبنا توجه داشته است، چراکه معمولاً ترجمه و تفسیر را به صورت آیه به آیه و جدا از هم می آورد، مگر در موارد استثنایی که ارتباط چند آیه را با هم کاملاً قبول داشته باشد. دلیل این امر از نظر مفسر این است که بنا بر نظر ایشان، ترتیب کنونی آیات قرآن مطابق ترتیب نزول نیست، او خود در این باره می گوید: «مسلم است که ترتیب نزول قرآن به این ترتیب فعلی نبوده و چه بسیار از سور قرآن که در اول بعثت نازل شده و در اواخر قرآن ضبط شده و بالعکس و چه بسیار از آیات شریفه در سوره داخل در سوره دیگر شده و چه بسیار از اجزاء آیه جزء آیه دیگر بوده مثل «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» و آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» و غیر این ها و چه بسیار آیات قبلی مؤخر و آیات بعد مقدم بوده مثل آیه یا «أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» که مقدم بوده بر «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»؛ لذا مراعات نظم نباید کرد» (۴: ۹). نکته پایانی آنکه تفسیر اطیب البیان دارای رویکرد کلامی شیعی است که همین رویکرد در نقد و تحلیل روایات سبب نزول - به شرحی که در ادامه پژوهش حاضر خواهد آمد - تاثیر گذاشته است. ایشان سرانجام در سن ۱۰۱ سالگی و در سال ۱۳۷۰ شمسی از دنیا رفت و در مسجد کازرونی اصفهان به خاک سپرده شد.

۴. جایگاه روایات سبب نزول در تفسیر اطیب البیان

از مهم ترین ابزارهای تفسیر قرآن، توجه به قرائن تاریخی زمان نزول آیات و موقعیت و شرایط زمان نزول است که از آن به «سبب نزول» یاد می شود. اهمیت شناخت این روایات به اندازه ای است که به عقیده دانشمندان علوم قرآنی همچون واحدی نیشابوری، آگاهی از مراد و مقصود برخی از آیات الهی، بدون اطلاع از سبب نزول آن آیه ممکن نیست، (واحدی، ۱۴۱۱ق، ۱۰) برای نمونه درباره آیه «فَأَيُّهَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (البقره: ۱۱۵) بدون توجه به

اسباب نزول ظاهر این آیه بیانگر این معناست که بر فرد نمازگزار توجه به قبله واجب نیست و می‌تواند در همه حالات و شرایط به هر سو بایستد و نماز بخواند در حالی که این حکم خلاف اجماع مسلمانان است، زیرا رو به قبله بودن شرط صحت نماز است؛ ولی با ملاحظه سبب نزول در می‌یابیم که حکم جواز در آیه شریفه یا مخصوص کسانی است که سوار بر مرکب، نماز نافله می‌خوانند و یا نمازگذاری که سمت قبله را نمی‌دانند و یا به اشتباه به سمتی خوانده است که قبله نبوده است، این معنا جز با توجه به سبب نزول معلوم نمی‌شود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۱۱۸).

درباره تعداد روایات سبب نزول نیز بین دانشمندان اتفاق وجود ندارد. مطالعات دانشمندان نشان می‌دهد مجموع روایات اسباب نزول به حدود ۹۰۰ روایت می‌رسد که در ذیل حدود ۶۰۰ آیه نقل شده است و بیش از نصف آن از صحابه است که از میان آنها بیش از ۳۰۰ روایت از ابن عباس نقل شده و پس از وی بیشترین روایات به جابر بن عبدالله، انس بن مالک، عایشه، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عمر و ابوهریره تعلق دارد (دستی، ۱۳۸۲ش، ۲: ۶۶۴). البته استفاده هر مفسر از این نوع روایات نیز مختلف است. برای نمونه شیخ طوسی در تفسیر تبیان، شأن نزول حدود ۴۳۶ آیه را بیان کرده است (محقق، ۱۳۶۴ش، مقدمه)، رشیدرضا در المنار ۱۷۷ مورد، آلوسی در روح المعانی ۶۷۳ مورد، طبرسی در مجمع البیان ۲۵۹ مورد و علامه طباطبایی در المیزان ۲۷۳ مورد (حسینی، ۱۳۷۴ش، ۲۴۳). همان‌طور که ملاحظه می‌شود مفسران از روایات اسباب نزول بهره‌اند اما باید در نظر داشت که هر آنچه در کتاب‌های تفسیر در ذیل آیات به عنوان سبب یا شأن نزول ذکر شده و یا در کتاب‌های اسباب نزول گرد آمده، قابل اعتماد نیست؛ بنابراین لازم است که ابتدا روایات مربوطه را از نظر صدور متن، دلالت آن و سلامت از معارض، مورد تحقیق قرار گیرد و پس از اثبات درستی آن‌ها، در تفسیر از آنها کمک گرفت.

به هر حال آنچه اهمیت دارد این است که هیچ مفسری بی‌نیاز از این دسته اخبار نبوده و نیست و این نکته که علی‌رغم ضعف در بسیاری از

روایات سبب نزول، وجود روایات کاملاً معتبر و دارای ارزش در میان آنها را کسی نمی‌تواند انکار کند.

سید عبدالحسین طیب در تفسیر اطمینان در بیش از یک‌صد و نود چهار آیه با اهداف مختلف از روایات اسباب نزول بهره برده است. این مقدار بهره‌گیری از روایات سبب نزول می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که ایشان نسبت به دیگر مفسران رغبت زیادی به این دسته روایات نشان نداده است، این امر شاید بدین دلیل است که مفسر تا حد امکان بر روایات سبب نزول منقول از معصوم (ع) تأکید دارد و روایات غیر معصوم (ع) را جز در مواقع ضرورت نقل نمی‌نماید. امر دیگری که نشان‌دهنده دیدگاه تقریباً منفی طیب نسبت به روایات سبب نزول است این است که مفسر در موارد بسیاری از نقل کامل داستان یا روایت اسباب نزول خودداری کرده و بیشتر به صورت اشاره کوتاه آن را نقل و سپس نقد و تحلیل می‌کند. البته این امر در باب مباحث اعتقادی متفاوت است، برای مثال روایات اسباب نزول مربوط به فضایل اهل بیت (ع) را به تفصیل نقل می‌کند (۳: ۲۲۸، ۴: ۱۱۵، ۴: ۴۰۴، ۶: ۲۹۶، ۱۳: ۳۱۴).

در تفسیر اطمینان فصل مشخصی تحت عنوان سبب نزول در نظر گرفته نشده و نویسندگان روایات این حوزه را در جاهای مختلفی نقل می‌کند. در مواردی بعد از ذکر آیه و ترجمه، بلافاصله روایت سبب نزول را ذکر می‌کند (۲: ۱۳۶، ۳۸۷، ۴۱۷؛ ۳: ۶۲)، گاهی در خلال تفسیر اشاره‌ای به سبب نزول می‌کند (۲: ۲۶۴، ۳: ۱۲۲).

در نگاه نویسندگان اطمینان اسباب نزول نمی‌تواند باعث تخصیص مفهوم و مفاد آیه و یا سوره‌ای از قرآن به مورد نزول شود، بلکه مفهوم آیات عام و فراگیر است. اعتقاد به این امر را می‌توان از جمله دیگر عوامل کاهش‌دهنده اهمیت روایات اسباب نزول در دیدگاه وی دانست، زیرا در این صورت، معنی و مفهوم آیه بدون سبب نزول نیز کار آیی دارد و نیازی به سبب نزول نیست.

سید طیب، در ذیل موارد نسبتاً فراوانی از روایات سبب نزول، پس از نقل آن بیان می‌کند که آیه عام است. جمله: «آیه عام است و لو شأن نزولش در مورد

۱. لازم به ذکر است که این تعداد با مطالعه کل تفسیر مذکور به دست آمده و احتمال دارد شخص دیگری به بیشتر یا کمتر از این تعداد دست یابد.

شخص یا حادثه خاصی باشد» بارها در تفسیر اطیب البیان تکرار شده است. به عنوان مثال در آیه ۵۴ سوره بقره: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» می‌گوید: «شأن نزول آیه اگرچه درباره شهیدان بدر است ولی مورد، مخصص نیست و عموم کشته‌شدگان در راه خدا مانند ائمه طاهرین و اصحاب آنها و علماء و مؤمنین را شامل می‌گردد» (۲: ۲۵۱).

همچنین درباره آیه ۱۴۹ آل عمران: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرَدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَانْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» پس از نقل سبب نزولی از امام علی (ع) در پایان می‌گوید: «بر فرض که شأن نزول آیه این باشد نمی‌توان مورد را مخصص دانست بلکه خطاب عام است و همه افراد مانند آن را در بر می‌گیرد» (۳: ۳۸۶)¹.

ولی باید به این نکته توجه داشت که در برخی از موارد قرائنی وجود دارد که روشن می‌سازد که از لفظ عام آیه، معنای خاص اراده شده است و نمی‌توان آن را به موارد دیگر سرایت داد (حجتی، ۱۳۷۷ش، ۱۰۳). مفسر اطیب البیان نیز به این امر کاملاً توجه داشته و معتقد است در این گونه موارد نمی‌توان معنای آیه را عام دانست. برای مثال درباره آیه مباهله (آل عمران: ۶۱) تصریح می‌کند که آیه عام نیست و می‌نویسد: «این آیه در مورد قضیه شخصیه است و درباره افراد خاصی است و تعدی از مورد معنی ندارد» (۳: ۲۲۸). نمونه‌ی دیگر درباره آیات ۵ الی ۲۲ سوره انسان است که طیب سبب نزول این آیات را امام علی، حضرت فاطمه و حسنین (ع) می‌داند و معنای آیات عام نیست بلکه مختص همین پنج تن است (۱۲: ۴۵۶؛ برای نمونه‌های بیشتر نک: ۱۳: ۳۱۴، ۳۴۸، ۳۸۸، ۱۴: ۱۳۹).

همان‌طور که پیشتر اشاره شد صاحب تفسیر اطیب البیان تأکید زیادی بر نقل روایات معتبر رسیده از معصوم (ع) دارد و رغبتی به قبول روایات اهل سنت نشان نمی‌دهد. گاه از میان چند روایت سبب نزول؛ روایتی که از معصوم (ع) صادر شده را ترجیح می‌دهد (۱۲: ۲۲۴) و اگر در مواردی از معصوم (ع) روایتی به دست نیآورده، منقولات صحابه را باحالت تردید می‌نگرد؛ برای نمونه ذیل آیه ۲۳ آل عمران

۱. برای نمونه‌های بیشتر نک: ۱: ۴۸۳، ۲: ۱۹، ۱۵۷، ۳۰۴، ۳۵۴، ۴۰۴، ۳: ۲۷۴، ۳۴۵، ۳۸۶، ۴۵۱، ۴۶۳؛ ۴: ۶۷، ۳۹۱، ۵: ۳۰۶، ۶: ۲۱، ۸۸، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۱۷، ۳۰۹، ۷: ۳۸۷، ۸: ۲۴، ۹: ۴۷۸، ۲۸۲، ۳۳۹، ۴۶۷، ۵۴۶، ۶۳۸، ۱۰: ۲۵۰، ۱۲: ۵۹، ۱۴۴، ۱۶۳، ۱۸۴، ۲۲۷، ۲۲۸، ۴۸۶، ۵۱۴، ۱۳: ۲۶۹، ۳۰۵.

می‌گوید: «این آیه شریفه مورد نزولش معلوم نیست، کلمات مفسّرین هم مدرک نیست و خبری هم از معصومین (ع) در این باره نداریم»، سپس سه دیدگاه درباره سبب نزول آیه نقل می‌کند، پس از آن قول سوم را بسیار بعید می‌شمارد و چند دلیل بر رد آن ارائه می‌دهد، درباره دو قول اول نیز معتقد است که مدرک ندارند و آنها را تفسیر به رأی می‌شمارد (۳: ۱۵۱)، البته در موارد اندکی که مخالفتی بین روایت و آیات قرآن نمی‌بیند شأن نزول‌های مطرح شده در تفاسیر عامّه را می‌پذیرد و بر اساس آن تفسیر آیه را پیش می‌برد (۴: ۱۹۶).

بنابراین، روایات سبب نزول در تفسیر اَطیب البیان مخصوصاً روایات منقول از عامه جایگاه نسبتاً منفی دارد و نویسنده تلاش می‌کند تنها بر اساس آنها و با تکیه بر روایات سبب نزول قرآن را تفسیر نکند.

با این وجود، سید عبدالحسین طیب در تفسیرش از روایات سبب نزول مورد اعتمادش به مناسبت‌های مختلفی استفاده کرده است: بیان مدلول آیه، بیان مصداق و روشن نمودن مبهمات برخی آیات، تبیین و تفصیل جزئیات آیات الاحکام، بیان وقایع تاریخی، تأیید دیدگاه‌های تفسیری خود از جمله موارد بهره‌گیری نویسنده از روایات سبب نزول است. در این میان روایات نسبتاً زیادی را پس از تحلیل و نقد و سنجیدن آنها با معیارهایی - که در بخش آخر مقاله خواهد آمد - رد می‌کند. در ادامه به‌طور تفصیلی به موارد کاربرد روایات سبب نزول در این تفسیر و نحوه تعامل مفسر با آنها و چگونگی نقد و بررسی آن روایات پرداخته می‌شود.

۵. کارکرد روایات سبب نزول در تفسیر اَطیب البیان

همان‌طور که پیشتر گذشت علی‌رغم سخت‌گیری مفسر در بهره‌گیری از روایات سبب نزول؛ این دسته از روایات، نقش‌ها و کارکردهای گوناگونی در تفسیر اَطیب البیان دارند که در ادامه به بیان آنها پرداخته می‌شود:

۵-۱. تفسیر آیات بر اساس روایات سبب نزول

گاه مفسران قرآن برای تفسیر آیه‌ای به روایت سبب نزول اعتماد می‌کند و از آن روایت، برای تفسیر آیه مورد نظر کمک می‌گیرد؛ به این معنی که روایت

سبب نزول تنها قرینه یا یکی از قراین اصلی در دست‌یابی به مدلول آیه است. مفسر اطیب البیان نیز همچون دیگر مفسران، در مواردی با تکیه بر روایات سبب نزول، به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. به عنوان نمونه در تفسیر آیه «فَإِنْ عُرِّعَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّ إِثْمًا فَأَخْرَجَ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهِدَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ» (المائدة: ۱۰۷) مفسر معتقد است که این آیه از آیات مشکل قرآن است، سپس برای تبیین آیه به روایت سبب نزول منقول در کتاب الکافی استناد می‌کند، پس از نقل روایت به طور مفصل می‌گوید: «با این روایت معنای آیه واضح شد». همان‌گونه که دیده می‌شود در این آیه مفسر بر اساس روایت به شرح و تبیین آیه پرداخته است (۴: ۴۹۰، همچنین ن. ک: ۶: ۱۰۰، ۸: ۲۸۸، ۱۴: ۸۵).

نمونه دیگر ذیل آیه «وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ لِتُفْتَرِي عَالِيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلاً» (الاسراء: ۷۳) قابل مشاهده است. طیب پس از نقل چندین دیدگاه درباره سبب نزول آیه - که حاصل آنها این است که مشرکان نزدیک بود پیامبر (ص) را فریب دهند تا بر خدا افترا بنهد - با استناد به روایاتی از معصومان (ع) درباره سبب نزول آیه، علاوه بر نقد و رد دیدگاه‌ها؛ تفسیر را بر اساس آن روایت پیش می‌برد. او خود در این باره می‌گوید: «اما آنچه به نظر می‌رسد و بر طبق آن اخباری داریم از حضرت باقر و از حضرت کاظم (ع) از پدر بزرگوارش اینکه راجع به امیرالمؤمنین (ع) است. چون حضرت رسول (ص) می‌دانست که برخی از مسلمانان بویژه منافقین با علی (ع) دشمنی دارند زیرا در جنگ‌ها پدران و برادران و خویشان آنها را کشته است و اکنون امر الهی به معرفی و نصب امیرالمؤمنین (ع) بر خلافت رسیده است. پیامبر (ص) برای اینکه این‌ها دست از اسلام برندارند قدری خیال توقف کردند خداوند برای اینکه بدانند که حضرتش در اوامر الهی کوتاهی نمی‌کند این آیه را نازل فرمود و این توقف حضرت هم مخالفت امر الهی نبود زیرا وقت وسعت داشت تا موقع غدیر خم» (۸: ۲۸۹). بنابراین، همان‌گونه که مشاهده می‌شود مفسر بر اساس روایت معصوم (ع) به تفسیر آیه پرداخته است.

البته یادآوری این نکته ضروری است که ظاهراً مفسر دچار یک اشتباه هم شده است، زیرا اولاً عموم مفسران معتقدند سوره الاسراء مکی است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۱۳: ۲۴۶). دوم آنکه مفسرانی مانند طبرسی نیز که کل سوره بجز پنج آیه را مکی می‌داند؛ این آیه را جزء آنها ندانسته (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ۶: ۶۰۷)، سوم آنکه تنها روایتی که مطابق آن، این آیه مدنی است از قتاده نقل شده است در حالی که مفسر در آغاز تفسیر خود، روایات او را غیر قابل اعتماد دانسته است (۱: ۲۳)؛ چهارم آنکه علاوه بر ضعف سند به خاطر وجود افرادی مانند سیاری و غیر آن در زنجیره سند (زرکشی، ۱۴۱۰ اق، ۳: ۵۶۱)، این روایت جزء روایات سبب نزول محسوب نمی‌شود بلکه بر فرض صحت، ممکن است بیان‌کننده تأویل آیات است.

سید عبدالحسین طیب در مواردی، ذیل برخی آیات چند روایت سبب نزول را نقل می‌کند و به تحلیل و نقد و بررسی آنها می‌پردازد؛ ولی در نهایت هیچ‌کدام را ترجیح نمی‌دهد، بلکه احتمال می‌دهد که همه روایات به‌عنوان سبب نزول آیه باشد. برای نمونه ذیل آیه شریفه ۱۵ سوره مبارکه حج: «مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ» مفسر درباره مرجع ضمیر «لَنْ يَنْصُرَهُ» دو دیدگاه را مطرح می‌کند. در دیدگاه اول مرجع ضمیر به رسول خدا برمی‌گردد و در دیدگاه دوم ضمیر به «مَنْ» برمی‌گردد که منظور از آن هر کسی است که نسبت به نصرت و یاری خداوند شک دارد. مفسر برای هر یک از دیدگاه‌های خود روایت سبب نزولی نقل می‌کند و در پایان هیچ یک را بر دیگری ترجیح نمی‌دهد، گو اینکه هر دو را می‌پذیرد (۹: ۲۷۶)؛ برای نمونه‌های بیشتر نگاه کنید: ۴: ۱۲۱، ۶: ۲۹، ۶: ۱۴۷، ۱۳: ۲۲۸).

۵-۲. بیان جزئیات وقایع و حوادث تاریخی زمان پیامبر (ص)

در قرآن کریم، درباره جنگ‌ها و غزوات پیامبر (ص) با مشرکان و یهودیان مانند جنگ بدر، احد، حنین، حدیبیه، تبوک و فتح مکه و... آیات فراوانی وجود دارد و خداوند در برخی موارد، به بیان جزئیات رویدادهای این جنگ‌ها نیز

پرداخته است؛ مانند امداد غیبی خداوند در جنگ بدر و فرستادن ملائکه برای یاری پیامبر (ص) و مسلمانان، سستی، ترس و ناامیدی که بر برخی از یاران رسول خدا (ص) در جنگ مستولی شده بود، نقشه‌های منافقان برای سست کردن مؤمنان در جنگ‌های احد و تبوک و...؛ ولی با وجود همه این‌ها، برخی از جزئیات جنگ‌ها فقط با روایات و اخبار روشن می‌شود، به همین دلیل اکثر مفسرین از جمله سید عبدالحسین طیب در این موارد از روایات سبب نزول کمک می‌گیرند؛ زیرا در مواردی، فهم برخی از جزئیات بدون توجه به روایات، تقریباً، غیرممکن است و بیم آن می‌رود که نقاط مجمل یا مبهم فراوانی باقی بماند.

برای نمونه درباره آیه ۶۴ الی ۶۶ سوره توبه «يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُبَيِّنُ لَهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ اسْتَهْزُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ* وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِؤْنَ* لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةٌ بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ»؛ اینکه چه اتفاقی رخ داده است که خداوند این چنین منافقان را مورد تهدید می‌کند؟ و یا این که منافقان چه چیزی را مخفی کرده بودند که خداوند آشکار کرد؟ و مواردی از این قبیل؛ که در خود آیات بدون در نظر گرفتن روایات بعید است به معنا و مفهوم آیات پی برد. مفسر با تکیه بر روایات سبب نزول این آیات به بیان جزئیات حادثه و نام و مشخصات منافقان می‌پردازد (۶: ۲۵۵).

نمونه دیگر، ذیل آیه اول سوره معارج: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ»؛ درباره تعیین سائل، بیان جزئیات جریان و نوع عذاب است. مفسر اطیب البیان پس از نقل آراء مفسران و رد آنها به حدیثی درباره سبب نزول آیه از امام صادق (ع) استناد می‌کند که در آن آمده است بعد از واقعه غدیر شخصی به اسم نعمان بن حارث فهری نزد رسول خدا رفت و به ایشان عرضه داشت ما را به توحید، جهاد، حج، روزه، نماز، زکات امر کردی، اطاعت کردیم و راضی نشدی تا اینکه این جوان (امام علی ع) را جانشین بعد خود قرار دادی. آیا این دستور از ناحیه توست یا خدا گفته؟ پیامبر (ص) در جواب می‌فرماید:

به خداوند قسم که خدایی جز او نیست این امر خداست، حارث بن نعمان گفت: «اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ» (الانفال: ۳۲) خدایا اگر این امر از ناحیه تو است از آسمان باران سنگ بر ما ببار، بعد از این کلام، سنگی از آسمان نازل شد و او را کشت و سپس آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» نازل شد (۱۳: ۱۸۱).^۱

۵-۳. بیان مصداق برای مفاهیم قرآنی و رفع ابهام از آنها

آیات قرآن کریم را از لحاظ فراگیر بودن معانی آنها بر مصادیق، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول آیاتی که معانی آن فقط بر موارد خاصی قابل تطبیق است و شامل موارد دیگر نمی‌شود. دسته دیگر آیاتی که عام هستند و دایره شمول آنها گسترده است و بر افراد و موارد بسیاری قابل تطبیق است. یکی از کارکردهای روایات اسباب نزول، بیان مصداق یا مصادیق خاص برخی از آیات است که این خود تلاشی است برای تفسیر و رفع ابهام از آیات قرآن. مثلاً در آیه ۱۷ سوره مبارکه احقاف «وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَكُمَا» به نظر اکثر مفسران مشهور شیعه مصداق این آیه عبدالرحمن بن ابی بکر است و در شأن او نازل شده است، ولی با این وجود آیه عمومیت دارد و شامل هر فردی که با پدر و مادر خود بدرفتار است می‌شود (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ۲۲: ۴۰۲).

علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: «نظر به این که قرآن مجید کتابی است همگانی و همیشگی در غایب، مانند حاضر جاری است و به آینده و گذشته مانند حال منطبق می‌شود؛ مثلاً آیاتی که در شرایط خاصی برای مؤمنین زمان نزول تکالیفی بار می‌کنند، مؤمنینی که پس از عصر نزول دارای همان شرایط هستند، بی‌کم و کاست همان تکالیف را دارند (طباطبایی، ۱۳۵۳:

۶۸) در این باره حدیثی نیز از امام باقر (ع) نقل شده که فرمودند: «اگر این طور
 ۱. برای مشاهده نمونه‌های دیگر نک: ۱: ۴۸۰؛ ۲: ۳۵۸؛ ۳: ۴۹۰؛ ۳: ۴۱۴؛ ۴: ۱۰۱؛ ۱۸۹؛ ۱۶۶؛ ۱۴۷، ۱۳۹، ۲۵۵، ۳۶۹، ۴۴۵؛ ۵: ۱۴۰؛ ۶: ۷۲، ۸۲، ۸۴، ۱۱۶، ۱۳۵، ۱۹۳، ۲۱۷، ۲۷۰، ۲۹۳، ۳۱۱؛ ۸: ۲۱۵، ۲۷۶؛ ۹: ۳، ۹۷، ۱۷۲، ۲۴۸؛ ۱۰: ۲۵۵، ۳۵۷، ۴۱۴، ۴۷۴، ۴۷۹، ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۰۴؛ ۱۱: ۲۱۲؛ ۱۲: ۱۵۶، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۸۷، ۳۴۶، ۴۴۷، ۴۵۵، ۴۶۶، ۴۷۳؛ ۱۳: ۱۵، ۷۰؛ ۱۴: ۱۵۸، ۱۷۶.

باشد که وقتی آیه‌ای درباره قومی نازل شود، سپس آن قوم بمیرند، آن آیه نیز بمیرد از قرآن چیزی باقی نمی‌ماند، درحالی‌که تا زمانی که زمین و آسمان هست، قرآن نیز جاری است» (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ۱: ۱۰).

عبدالحسین طیب نیز همچون اغلب مفسران در مواردی در تفسیر اطمینان‌بخش از روایات سبب نزول برای بیان مصداق آیات استفاده می‌کند. برای مثال ذیل آیه ۲۰۷ سوره بقره «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» صاحب تفسیر اطمینان‌بخش روایت درباره سبب نزول آیه می‌آورد. مطابق این روایات این آیه درباره «ليلة المبيت» است و فردی که در جای پیامبر (ص) خوابید امام علی (ع) است (۲: ۳۸۷). معلوم است که این روایات مربوط به تفسیر آیات نیستند؛ بلکه مصداقی از مصادیق آیه را بیان کرده‌اند. خود مفسر نیز به این مسئله واقف است؛ ازاین‌رو می‌گوید: «مقتضای عموم آیه این است که هر کس که در راه جهاد یا دفاع و یا موارد مشروع دیگر شهید شود و یا در معرض شهادت واقع شود مشمول این آیه خواهد بود» (۲: ۳۸۷).

نمونه‌ی دیگر ذیل آیه «وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقُرَيْتَيْنِ عَظِيمٍ (الزخرف: ۳۱) قابل مشاهده است. طیب مطابق روایات معصومان (ع) مصداق «رَجُلٍ» در آیه را «عروه بن مسعود» می‌داند، در حالی که مطابق روایات اهل سنت برخی از تجار و ثروتمندان شهرهای مکه و طائف مصداق آیه هستند، آنها عبارتند از: عتبة بن ابی ربیع و ولید بن مغیره از مکه، ابن عبدي الیل و حیب بن عمر ثقفی از طائف. البته نویسنده این افراد را رد می‌کند و معتقد است که ثروت و قدرت شرط رسالت نیست زیرا اگر چنین باشد پس باید نمرود، شداد و فرعون افضل از ابراهیم و هود و صالح و موسی باشند (۱۲: ۲۴)^۱.

۴-۵. تبیین مجملات و جزئیات آیات الاحکام

مطابق نظر اکثر فقهاء و مفسران، حدوداً پانصد آیه در قرآن کریم مربوط به

۱. برای نمونه‌های بیشتر نک: ۱: ۱۶۶، ۱۴۸، ۲۲۶: ۳: ۶۲، ۴: ۱۳۰، ۱۳۳، ۶: ۲۸، ۴۷، ۱۸۵، ۱۹۵: ۷: ۲۶، ۳۵۳: ۸: ۲۴۸، ۴۹۵، ۱۰: ۳۹۰، ۴۷۵، ۴۹۱: ۱۱: ۵۲، ۱۲: ۲۴، ۱۳: ۷۳، ۱۶۷: ۱۴: ۲۴۲.

احکام فقهی است که به آیات الاحکام معروفند. البته این رقم مورد اختلاف است؛ فاضل مقداد سیوری آنها را ۴۴۶ آیه (سیوری، ۱۴۱۹ق، ۱: ۵)، دانسته، در حالی که تعداد این آیات از نظر محمدهادی معرفت بیشتر از ۲۰۰۰ آیه است (معرفت، ۱۴۱۵ق، ۲: ۲۲۹).

از آنجایی که بسیاری از احکام در قرآن به صورت مجمل آمده، یکی از مهم‌ترین کارکردهای روایات، تبیین و تفصیل این مجملات است. مفسران قرآن نیز همواره به اهمیت و جایگاه این دسته از روایات در تفسیر واقف بوده‌اند و ذیل این آیات تلاش کرده تا با استفاده از روایات، به استنباط یا تفصیل آنها بپردازند. نویسنده اطمینان‌بخش نیز در تفسیر خود از نقش این روایات در آیات الاحکام غافل نبوده و در موارد بسیاری از روایات استفاده کرده است. بخشی از این روایات مربوط به روایات سبب نزول است، که در ادامه به بیان چند نمونه پرداخته می‌شود.

نویسنده در مواردی از روایات سبب نزول برای تأیید آرای فقهی و دیدگاه‌های خود بهره می‌برد، مثلاً ذیل آیه ۱۰۶ سوره نحل «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ» بعد از بحث درباره مرتد، انواع و احکام فقهی مربوط به آن برای تأیید برداشت خود از آیه به سبب نزول آیه و داستان عمّار و پدر و مادرش و گرفتار شدن آنها در دست مشرکان اشاره می‌کند. (۸: ۱۹۳)

نمونه دیگر آیه ۱۵۸ سوره بقره است: «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» در اینجا مفسر برای تبیین حکم سعی میان صفا و مروه، و اینکه آیا حکم آیه استحباب را می‌فهماند یا وجوب، از روایات سبب نزولی که ذیل این آیه آمده استفاده می‌کند و برخلاف ظاهر آیه حکم به وجوب آن می‌دهد (۲: ۲۶۴؛ برای نمونه‌های بیشتر نک: ۲: ۳۴۵، ۲۳۶؛ ۶: ۲۸۴). شایسته توجه است که غیر از آنچه گفته شد روایات سبب نزول حسب مورد و ندرتاً کارکردهای دیگری نیز دارد ولی بیشترین کارکرد آن در همین اقسامی بود که گفته شد، امری که بدون مذاقه و تحلیل دقیق کاربردهای سبب نزول شناخت آن میسر نیست.

۶. روش‌های نقد و بررسی و تحلیل فقه الحدیثی روایات سبب نزول در اطیب البیان هر حدیثی از دو جهت قابل نقد و بررسی است الف. نقد سندی، که در آن از کیفیت اتصال حدیث به معصوم (ع) از لحاظ احوال روات و کیفیت سند و غیره گفتگو می‌شود (شانه‌چی، ۱۳۸۸ش، ۱۹). ب. نقد درایی یا متنی، که از معانی و مفاهیم الفاظ وارد در احادیث بحث و گفتگو می‌کند (همان، ۲۰). بسیاری از مفسران نقاد معاصر، از هر دو روش برای نقد و بررسی روایات تفسیری بهره می‌برند. سید عبدالحسین طیب نیز ذیل تعدادی از روایات به این مهم توجه داشته و به نقد و بررسی روایات می‌پردازد. پیشتر نیز گفته شد که موضع مفسر اطیب البیان در برابر روایات عامه، کاملاً انتقادی است و معمولاً نقل روایت از اهل بیت (ع) را در اولویت قرار می‌دهند و خود در ابتدای تفسیر به این موضوع اذعان کرده است (۱: ۲۳) البته این امر به معنای پذیرش بی قید و شرط روایات شیعی نیست و در موارد فراوانی به نقد و بررسی آنها پرداخته و گاهی هم آنها را رد می‌کند (۷: ۱۶۲، ۲۹۸). نکته پایانی آنکه مفسر روایات تفسیری و احادیث مربوط به سبب نزول را بیشتر از تفاسیری همچون «مجمع البیان: طبرسی»، «البرهان: سیدهاشم بحرانی» و «الکافی: کلینی» نقل کرده است.

۶-۱. روش نقد سندی روایات سبب نزول در اطیب البیان

صاحب اطیب البیان علاوه بر این که در بیشتر موارد به مأخذ روایت اشاره نمی‌کند به ندرت نام همه راویان سند را گزارش می‌کند (۴: ۲۹۷، ۶: ۲۵۵)، بلکه تنها نام راوی اول را ذکر می‌کند البته در مواردی هم بدون این که روایتی را نقل نماید خواننده را به کتبی که روایات مربوطه در آن نقل شده ارجاع می‌دهد (۳: ۲۲۸، ۴: ۴۰۱، ۴: ۱۱۵). اگرچه نویسنده، علاقه زیادی به استفاده از اصطلاحات علم الحدیثی از خود نشان نداده و به ندرت از اصطلاحات مصطلح الحدیث همچون؛ صحیح، حسن، ضعیف، متعارض، مرسل، نداشتن سند متصل، متواتر و مانند آن استفاده کرده است، ولی گاهی به طور کلی به صحت و ضعف سند اشاره کرده است (۲: ۱۱۶، ۱۲۵؛ ۳: ۱۵۱؛ ۴: ۲۳۹، ۳۱۷؛ ۶: ۱۵، ۲۸؛ ۱۲: ۴۴؛ ۱۳: ۱۸۲).

برای نمونه درباره آیه «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (البقره: ۹۷) ابتدا به روایات سبب نزولی که مفسرین مختلف در تفاسیر خود آورده‌اند، اشاره می‌کند و سپس می‌گوید: «چون هیچ‌کدام از آنها سند متصل ندارند، قابل اعتنا نیستند لذا از نقل آنها خودداری می‌کنیم» (۲: ۱۱۶؛ برای نمونه‌های بیشتر نک: ۲: ۱۲۵؛ ۶: ۲۸؛ ۱۳: ۱۸۳؛ ۲: ۱۷۳؛ ۳: ۱۵۱؛ ۶: ۱۵، ۱۴: ۲۵۱).

مفسر اطیب البیان به طرق مختلف روایات نیز توجه داشته و در مواردی این طرق مختلف را کامل بیان می‌کند و در مواردی نیز به دلیل کثرت طرق به کتب دیگر مانند تفسیر عیاشی و غایه المرام ارجاع می‌دهد (۳: ۲۲۸؛ ۴: ۴۰۱، ۱۱۵، ۸: ۲۰۶) همچنین مفسر در مواردی به احوال تک‌تک روایات نیز توجه کرده است. برای مثال ذیل آیه ۳۳ مائده؛ درباره حکم محارب و حد آن، ابتدا به نقل روایاتی می‌پردازد و سپس اعلام می‌دارد که این روایات به واسطه افرادی مانند عبداللّه و عییده و محمد بن سلمان، خالی از اشکال نیست (۳: ۳۵۳).

بنابراین، کاوش در بررسی‌های سندی روایات در تفسیر اطیب البیان نشان می‌دهد که نقد سند در این تفسیر نسبت به نقد متن احادیث، از جایگاه پایین‌تری برخوردار است.

۶-۲. روش نقد متنی روایات سبب نزول در اطیب البیان

شیوه دوم در بررسی و نقد روایات که آن را «نقد داخلی یا متنی» می‌نامند، ناظر به بررسی و تحلیل محتوای متن حدیث است، بدون آنکه سلسله اسناد و راویان آن در نظر گرفته شود. زیرا تعدادی از روایات وجود دارند که علی‌رغم صحت سند، از نظر متن قابل اعتماد و حاکی از سنت معصوم (ع) نیست (معماری، ۱۳۸۶ش، ۱۶۹). سید عبدالحسین طیب نیز در تفسیر خود، به این ملاک برای نقد روایات تفسیری توجه بیشتری داشته و از ملاک‌های متعددی برای نقد متن روایات بهره برده است که به آنها اشاره می‌کنیم.

۶-۲-۱. نقد روایات سبب نزول با منطوق قرآن (نص و ظاهر)

در موارد فراوانی سید عبدالحسین طیب روایت سبب نزول را به دلیل مخالفت

با ظاهر و نص قرآن رد می‌کند. برای نمونه مفسران درباره مقصود از «طَائِفَةٌ» در آیه ۱۱۳ سوره نساء: «لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ» دیدگاه‌های مختلفی نقل کرده‌اند؛ به عنوان مثال در مجمع البیان مقصود از «طَائِفَةٌ» گروهی از مشرکین هستند که به پیامبر (ص) گفتند ما به تو ایمان می‌آوریم مشروط به اینکه بت‌های ما را متعرض نشوی (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۶: ۴۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۱۳۸)، علامه طباطبایی در المیزان سبب نزول را بر کسانی که طرفداری از خائن کردند و می‌خواستند او را تبرئه کنند تطبیق نموده است (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ۵: ۱۲۳)، صاحب تفسیر الکاشف نیز همین نظر را پذیرفته است (مغویه، ۱۴۲۴ق، ۲: ۶۷۷)، اما مفسر اطیب البیان پس از نقل آراء در این باره سرانجام همه آنها را رد می‌کند و معتقد است تمام این‌ها علاوه بر اینکه تفسیر به رأی است و اعتبار ندارد، خلاف ظاهر و سیاق آیه است، زیرا قضیه شرطیه است یعنی اگر تفضل الهی نسبت به تو نبود هر آینه چنان قصدی را داشتند ولی چون دیدند که خداوند آنها را رسوا می‌کند و پیغمبر خود را نصرت و ظفر می‌بخشد چنان قصدی را نکردند (۲۰۳: ۴).

نمونه دیگر اختلاف بر سر تعیین افرادی است که مشار الیه آیه ذیل هستند و چند بار ایمان می‌آورند و کافر می‌شوند، خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أزدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا» (النساء: ۱۳۷). برخی از مفسران مشار الیه آیه را یهود، و برخی دیگر نصارا و گروهی نیز منافقین می‌دانند (۲۳۸: ۴)؛ این در حالی است که از نظر مفسر اطیب البیان همه این آراء نه تنها مدرک ندارند بلکه، مخالف ظاهر قرآن است و یهود و نصاری به طور کلی از مصداق آیه خارج هستند چون ظاهر آیه، ایمان به محمد و دین اسلام است و از این جهت می‌توان گفت که منافقین هم خارج هستند زیرا باطناً ایمان نیاورده بودند مگر بگوییم مراد ایمان ظاهری است. سپس خود مقصود آیه را افراد مرتد می‌داند و با توجه به آیه به بیان احکام آنها می‌پردازد (۲۳۹: ۴).

نمونه سوم ذیل آیه ۷۳ الإسراء «وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ» قابل مشاهده است. درباره سبب نزول آیه روایات گوناگون

و گاه متناقضی وجود دارد. از نظر مفسر اطیب البیان محتوای عمومی این روایات این است که پیامبر اکرم (ص) قصد اعتماد به مشرکین را داشته است، در حالی که این روایات، علاوه بر این که مخالف عصمت پیامبر (ص) است خلاف ظاهر آیه شریفه نیز هست (۸: ۲۸۸) علامه طباطبایی نیز دقیقاً همچون عبدالحسین طیب بر این باور است که روایات سبب نزولی که ذیل این آیه بیان کرده‌اند همگی مخالف ظاهر آیه است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۱۳: ۲۴۵ برای مطالعه بیشتر نک: ۵: ۴۰؛ ۶: ۱۰۱، ۱۰۴، ۲۵۱؛ ۱۲: ۱۴۰).

۶-۲-۲. نقد روایات سبب نزول با مبانی و ضرورت‌های کلامی

از دیگر ملاک‌های نقد روایات تفسیری و از جمله روایات سبب نزول، علاوه بر مخالفت نداشتن با ظاهر و سیاق آیات، عدم مخالفت با ضرورت‌های کلامی و عصمت پیامبر اسلام (ص) است. مطالعه تفسیر اطیب البیان نشان می‌دهد که این ملاک پس از معیار عدم مخالفت روایت با قرآن، مهم‌ترین معیار نقد روایت در این تفسیر است. برای نمونه ذیل آیه ۲۳ کهف روایتی درباره سبب نزول آیه نقل شده که مطابق آن یهودیان از رسول خدا (ص) پرسشی نمودند، حضرت بدون اینکه بگوید «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» و استثناء مزبور را به کلام خود ملحق سازد فرمود فردا بیاید تا جواب بگویم، به همین جهت چهل روز خداوند وحی را از آن حضرت قطع کرد، تا اینکه این آیه نازل شد: «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ». سید عبدالحسین طیب این روایت سبب نزول را به نقد کشیده و آن را مخالف عصمت پیامبر (ص) می‌داند چرا که پیغمبر اکرم (ص) هر عملی که وعده دهد موکول بر مشیّت حق می‌کند، دیگر آنکه مطابق بسیاری از آیات قرآن حضرت نسیان و فراموشی ندارد زیرا با مقام عصمت مخالف است. از نظر طیب مفهوم آیه از قبیل آیه «لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ» است که دلالت ندارد بر این که پیامبر (ص) شرک می‌ورزد (۸: ۳۴۳).

نمونه دیگر آیه ۵۲ سوره حج «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ

آیاتیه» است. مفسر ذیل آیه اشاره به وجود روایاتی می کند که در برخی منابع اهل سنت نقل شده که همگی مخالف با مبانی و ضرورت های کلامی تشیع و حتی اسلام است. نویسنده به خاطر ضعیف بودن این احادیث و بی اعتمادی نسبت به آنها از نقل متن آنها پرهیز می کند و معتقد است که تمامی روایات سبب نزول مربوط به این آیه خلاف مذهب تشیع است چراکه معصوم (ع) سهو نسیان و اشتباه ندارد (۹: ۳۱۹، برای مطالعه موارد بیشتر نک: ۹: ۳۲۰؛ ۱۳: ۳۸۸؛ ۱۴: ۸۵، ۱۴۵؛ ۲: ۳۵۴، ۱۲۵؛ ۴: ۱۹۴؛ ۱۲: ۲۴، ۱۹۶، ۸: ۳۴۷).

۶-۲-۳. نقد روایات سبب نزول با مسلمات و حقایق تاریخی

یکی دیگر از ملاک های نقد متن حدیث توجه به موافقت یا مخالفت آن با تاریخ قطعی است. مفسران قرآن و از جمله سید عبدالحسین طیب نیز از این معیار بهره برده اند. برای مثال ذیل آیه «وَادْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ» (الانفال: ۲۶) مفسر اطمینان بیان سبب نزول آیه را به دوران صدر اسلام و وضعیت مسلمانان قبل و پس از هجرت مرتبط می داند، و روایاتی که سبب نزول آیه را مربوط به قوم انصار و یا مهاجران پیش از اسلام مرتبط می داند به خاطر مخالفت با نص قرآن و تاریخ رد می کند. زیرا مطابق داده های تاریخی هیچ یک از مهاجران و انصار قبل از اسلام قلیل و مستضعف نبودند و ترسی از یهود و نصارا نداشتند، زیرا با آنان هم مسلک بودند و همه کافر و مشرک بودند. این در حالی است که تاریخ گواهی می دهد مسلمانان در مکه به خاطر ضعیف و کم جمعیت بودن تحت شکنجه مشرکین بودند، بعضی به حبشه، برخی به یمن و گروهی نیز به طائف مهاجرت می کردند و عده ای نیز در شعب ابی طالب دائماً مورد اذیت مشرکان بودند. اما انصار نیز پس از هجرت رسول الله گرفتار فقر و فاقه بودند (۶: ۱۰۲).

نمونه دیگر درباره سبب نزول آیه «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ» (البقره: ۱۱۳) است. مفسر اطمینان بیان معتقد است گروهی از یهودیان و نصارا با هم به مشاجره پرداختند و یهود

نبوت حضرت مسیح را منکر بوده و نسبت ناروا به حضرت مسیح (ع) و مادر او می‌دادند لذا مذهب آنان را بر حق نمی‌دانستند و اما گفتار نصارا نیز درباره یهود این بود که می‌گفتند با آمدن مسیح شریعت موسی نسخ شده و باید یهود به دستورات حضرت مسیح (ع) رفتار کنند. سپس سید عبدالحسین طیب به نقد روایاتی می‌پردازد که برخی مفسران درباره سبب نزول آیه فوق روایت کرده‌اند و همه آنان را مخالف گزارش‌های تاریخی می‌دانند (۲: ۱۵۶؛ ۶: ۱۵۴). البته باید توجه داشت که ملاک بهره‌گیری مفسر، تاریخ قطعی و یا حداقل اطمینان‌بخش است و نه درجایی که تاریخ خود مبهم باشد، برای نمونه او درباره اسکندر و داستان یاجوج و ماجوج به تاریخ اعتنا نمی‌کند زیرا معتقد است که تاریخ قبل از اسکندر بسیار تاریک است اعتنایی بقول مورخین در این باره نیست (۸: ۴۰۴).

شایسته یادآوری است که طیب از معیارهای دیگری همچون موافقت سبب نزول با عقل، موافقت سبب نزول با سنت قطعی پیامبر اکرم (ص) و به صورت موردی برخی معیارهای دیگر بهره برده است که تبیین همه آنها خارج از حوزه یک مقاله است.

۳-۶. تعامل سبب طیب با روایات متعارض

در موارد فراوانی، بین روایات، در تعیین سبب و حادثه‌ای که موجب نزول آیه و یا سوره‌ای شده است، اختلاف و تعارض وجود دارد. برخورد هر یک از مفسرین در مواجهه با این روایات متفاوت است؛ عده‌ای همچون بسیاری از تفاسیر روایی فقط به نقل روایات اکتفا می‌کنند و هیچ اظهارنظری درباره آن ندارند، عده‌ای دیگر از مفسران از نقل روایات متعارض به طور کلی خودداری می‌کنند و عده‌ای هم تلاش می‌کنند با استفاده از مرجحاتی که وجود دارد، تعارض بین آنها را حل کنند. عبدالحسین طیب جزء گروه اخیر است که در مواردی بر اساس معیارهایی به حل تعارض میان اخبار پرداخته است. این معیارهایی عموماً همان‌هایی هستند که در نقد روایات از آنها بهره برده است.

برای مثال طیب در مواردی که سبب نزول مختلف ذیل آیه‌ای نقل شده، آن

روایتی که موافق با ظاهر و سیاق آیه است را می‌پذیرد. برای نمونه مفسر ذیل آیه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ اِذْ هَمَّ قَوْمٌ اَنْ یَّسُطُوا اِلَیْکُمْ اَیْدِیَهُمْ فَکَفَّ اَیْدِیَهُمْ عَنْکُمْ وَ اتَّقُوا اللّٰهَ وَ عَلَی اللّٰهِ فَلِیَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (المائدہ: ۱۱) درباره این که خدا چه نعمتی به مسلمانان ارزانی داشته و اینکه چه کسانی در صدد تعرض بر جان پیامبر (ص) و مسلمانان برآمده بودند، روایات مختلف و متعارضی را گزارش می‌کند، در ادامه می‌گوید: «چون ما مدرکی برای این اقوال نداریم نمی‌توانیم درباره صحت و سقم آنها صحبتی کنیم ولی قول اخیر با مضامین آیه شریفه هماهنگ‌تر است» (۴: ۳۱۷؛ برای مطالعه موارد بیشتر نک: ۲: ۶۵، ۱۳۴، ۲۲۶؛ ۸: ۲۹۱؛ ۶: ۹۳).

یکی از معیارهایی که مفسر عموماً در ترجیح متعارضات از آنها بهره برده ترجیح روایت به خاطر انتساب آن به معصوم (ع) است، هر چند قطع به صدور آن از معصوم (ع) نداشته باشد و یا آن روایت مورد استناد و توجه دیگر مفسران سنی و حتی شیعه قرار نگرفته باشد. مثلاً ذیل آیه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اِنْ جَاءکُمْ فَاسِقٌ بِنَبَاٍ فَتَبَيَّنُوا اَنْ تُصِیْبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِحُّوا عَلَی مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِینَ» (الاحزاب: ۶) ابتدا روایتی که همه مفسران شیعه و سنی گزارش نموده‌اند را نقل می‌کند. مطابق این روایت شأن نزول آن درباره ولید بن عقبه است که به دروغ به پیامبر اکرم (ص) خبر داد که قبیله بنی خزیمه بعد از اسلامشان کافر شده‌اند. سید عبدالحسین طیب روایت را نمی‌پذیرد، لذا روایتی از معصوم (ع) نقل می‌کند که مطابق آن، سبب نزول این آیه درباره افک و بهتان عایشه نسبت به ماریه قبطیه و ضریح پسرعموی ماریه بوده است (۱۲: ۲۲۴). در این آیه مفسر اطیب البیان از جمله مفسران محدودی است که روایت سبب نزول را درباره ولید بن عقبه قبول ندارد، اما اکثر مفسران اهل سنت و حتی شیعه این روایت را پذیرفته‌اند یا حداقل برخی از مفسران شیعه روایت دوم را به عنوان سبب نزول دوم ذکر کرده‌اند. علامه طباطبایی در این درباره معتقد است که نزول آیه مذکور در داستان ولید بن عقبه در روایات وارده از طرق اهل سنت و همچنین روایات وارده از طرق شیعه مستفیض است (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ۱۸: ۴۷۶). ابن عبدالبر نیز در کتاب الاستیعاب چندین روایت به طرق مختلف

آورده که این آیه درباره ولید بن عقبه نازل شده است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ۴: ۱۵۵۳)، خلاصه اینکه این روایت در اکثر منابع حدیثی و تفسیری شیعه و سنی آمده است، ولی روایت دوم (افک عایشه نسبت به ماریه قبطیه) کمتر اشاره به آن شده است، مفسر اطیب البیان در اینجا برخلاف عموم مفسران روایت دوم را به صرف نقل از معصوم بر روایت اول ترجیح داده است.

در پایان شایسته است به این نکته تذکر داده شود که سید عبدالحسین طیب در مواردی اندکی برای اثبات دیدگاه‌های مذهبی خود، در بهره‌گیری از روایات افراط می‌ورزد، و گاه روایتی که موافق دیدگاه و مذهب خود هست را اختیار می‌کند، بی آنکه دلیلی قطعی و قانع‌کننده ارائه دهد. مثلاً درباره سبب نزول سوره نبأ بخصوص آیات ابتدایی آن، - باینکه بیان می‌کند که مفسرین این آیه را مکی می‌دانند و مربوط به معاد و آخرت است، - اما او خود معتقد است که این سوره مدنی است و مربوط به مسئله ولایت و جانشینی امام علی (ع) است و برای تأیید نظر خود روایاتی را ذکر می‌کند (۱۳: ۳۴۸). اما به نظر می‌رسد که این نظر صحیح نباشد؛ زیرا مراد از «خبر عظیم» خبر قیامت است که قرآن در سوره‌های مکی و مخصوصاً در سوره‌هایی که در اوایل بعثت نازل شده کمال اهتمام درباره اثبات آن را دارد، عموم مفسران شیعه و اهل سنت نیز مقصود از «نبأ عظیم» را مربوط به قیامت دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۱۰: ۶۳۹؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق، ۶: ۵۰۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۵: ۲۰۲). علامه طباطبایی بر این باور است که روایاتی که منظور از «نبأ عظیم» را امام علی (ع) دانسته است؛ از باب بیان بطن قرآن است، نه تفسیر لفظ آیه (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ۲۰: ۱۶۳).

۷. نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد نتایج ذیل به صورت مختصر قابل اشاره است:

۱. روایات سبب نزول در تفسیر اطیب البیان برخلاف بسیاری از تفاسیر دارای کارکردها و نقش‌های گوناگونی نیست. بیشترین کارکرد روایات در این تفسیر در سه مورد است: تبیین مدلول آیات و بیان مصداق و روشن نمودن مبهمات قرآن، تبیین و تفصیل آیات الاحکام، شرح و تفصیل جزئیات حوادث تاریخی صدر اسلام است. بیشترین کارکرد در قسم سوم است.

۲. مفسر تا جایی که امکان داشته درصدد نقل روایت از معصوم (ع) است و در مواردی که چندین روایت مختلف درباره آیه‌ای نقل شده باشد، او روایت منسوب به معصوم (ع) را ملاک قرار می‌دهد، هرچند قطع به صدور آن نداشته باشد.
۳. مفسر اطیب البیان در مجموع نسبت به سایر مفسرین، روایات سبب نزول کمتری را نقل کرده است. او نیز همچون عموم مفسران روایات را بدون سند و تنها با ذکر نام راوی و البته به شکل تفصیلی نقل می‌کند.
۴. مفسر اطیب البیان نگاهی نقادانه نسبت به روایات سبب نزول دارد و براساس معیارها و ملاک‌هایی این گونه روایات را نقد و بررسی می‌کند. برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: مطابقت روایت با منطوق قرآن (نص و ظاهر)، مطابقت روایت با مسلمات و حقایق تاریخی، مطابقت روایت با مبانی اعتقادی و ضرورت‌های کلامی شیعه مانند عصمت معصومان (ع).
۵. عدم تخصیص آیه به مورد سبب نزول و عمومیت دادن حکم آیه به موارد مشابه مورد نزول با توجه به قاعده «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص سبب».
۶. توجه به روایات متعارض درباره سبب نزول آیات و تلاش در جهت حلّ تعارض بین آنها بر اساس معیارها و ملاک‌های فقه الحدیث.

منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق.
- ایازی، محمد علی، سیر تطور تفاسیر شیعه، قم، انتشارات کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱ش.
- _____، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۸۶ش.
- حاجی اسماعیلی، محمدرضا و هاشمی، ایوب، «روش‌شناسی تفسیر اطیب البیان»، مجله پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش، صص ۶۷-۸۶.
- حجتی، محمداقبر، اسباب نزول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۷ش.
- حسینی، موسی، گزارش آماری اسباب نزول، مجله پژوهش‌های قرآنی، بهار، شماره اول، ۱۳۷۴ش.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۴ش.
- دشتی، سید محمود، دایره المعارف قرآن کریم، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۲ش.
- ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، بی‌نا، بیروت، دار التراث احیاء العربی، بی‌تا.
- رهبر، حسن، «سیری در تفسیر اطیب البیان»، مجله پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۴ شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۷، صص ۱۳۰-۱۶۱.
- زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم قرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۰ق.

- سیوری، فاضل مقداد، کنزالعرفان فی فقه علوم قرآن، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ق. شانه‌چی، کاظم، علم الحدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، تهران، دارالکتب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۵۳ش.
- _____ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
- طبرسی، فضل بن حسین، مجمع البیان فی تفسیر قرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۶۰ش.
- طیب، سید عبدالحسین، مجله حوزه، قم، حوزه علمیه، شماره ۳۳، مرداد و شهریور ۱۳۶۸ش.
- _____ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۳۷۸ش.
- عروسی حویزی، عبدعلی جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- عظیم‌زاده، محمد، پایان نامه «بررسی قواعد تفسیری در تفسیر اطیب البیان»، قم، دانشکده علوم قرآنی، ۱۳۹۲ش.
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، طبقات مفسران شیعه، قم، نوید اسلام، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ش.
- عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ش.
- قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ق.
- محقق، محمدباقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات، مشهد، انتشارات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۴ش.
- مطهری، مرتضی، نهضت‌های اصلاحی در صدسال اخیر، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسرون، قم، موسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹ش.
- _____ التمهید فی علوم قرآن، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- معماری، داود، مبانی و روش‌های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشوران شیعه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
- مغنیه، محمدجواد، الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
- واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
- هاشمی، ایوب، «چشم اندازی بر تفسیر اطیب البیان»، مجله فرهنگ اصفهان، شماره ۷ و ۸ صص ۴۲-۵۷، بهار و تابستان ۱۳۷۷
- _____ «شرح حال و معرفی تفسیر آیت الله سیدعبدالحسین طیب»، مجله بینات، سال ۱۴ شماره ۱۶، ۱۳۷۶ش.